

هو الله

ای منادی میثاق مکتوبی از آن جناب وارد و نفحات قدس از آن استشمام شد زیرا در نهایت انقطاع و خضوع و خشوع و محویت و فنا و تواضع تام نسبت باحبّا تحریر یافته بود معانی سبب فرح قلوب بود و مضامین بادی انشراح نفوس گشت که الحمد لله جمال قدیم را بندگانی مظهر خلق عظیم موجود منقطعند و منجذب مستبشرند و مبتهل بکلی فانی از مادوند و قائم بر عبودیت حیّ قیوم از خویش بیگانه‌اند و آشنای حضرت یگانه ای ثابت بر میثاق جام موهبت لبریز است و بادهٔ محبت الله فرح‌انگیز انوار هدی لامعست و نجوم ملأ اعلی ساطع ابواب ملکوت گشوده است و کنوز موهبت ربّ ودود آماده ساقی عطا را جام وفا در دست و نور هدی بر جمیع آفاق مبذول و منتشر الطاف حضرت بیچون چون رود جیحون جاری و فیض قدیم مانند سیل ساری وقت شکرانه است و هنگام نغمه و آهنگ مستانه حزب غرور بوسائط و دسائس مشغول و در بادیة شبهات حیران و سرگردان چنان گمان نمایند که باین مفتریات رخنه در امر الله نمایند هیئات حصن حصین بهجوم اهل سجن منهدم نگردد و بیت معمور بتیشه اهل غرور مطمور نشود گلشن الهی از نعرهٔ زاغ و نعیب کلاغ از طراوت و لطافت نیفتد و نور هدی بغمام ظنون و اوهام مستور نماند آنچه کنند بخویش کنند و تیشه بر ریشهٔ خویش زند عنقریب ملاحظه نمائید که نفحات معطرهٔ محبت الله آفاق را زنده نموده و هیاکل توحید در نهایت لطافت و صباحت و ملاحه در عرصهٔ وجود محشور شده سبحان الله این چه اوهام است و چه تصوّر محال آیا پیمان رحمن فراموش شود و ندای حضرت یزدان از آذان معدوم گردد باری مقصود اینست آن جناب باید در جمیع اوقات مواظبت نفوس اطراف نمایند و کلّ را بنصائح الهیه و وصایای رحمانیه تربیت کنند تا دُرهای قلوب یاران در آغوش عهد و پیمان پرورش یافته هر یک زینت اکلیل جلیل گردند و علیک التّحیّة و التّساء ع ع